

# دکتر Wendy L. Widder, Daniel, Session 1, Introduction to Daniel

© 2024 Wendy Widder و Ted Hildebrandt

من دکتر وندی ویدر هستم و در حال تدریس کتاب دانیال هستم. این جلسه اول، مقدمه‌ای بر دانیال است.

من وندی ویدر هستم و این دوره را در مورد کتاب دانیال عهد عتیق تدریس خواهم کرد. من دارای مدرک دکترای در مطالعات خاور نزدیک باستان از دانشگاه ایالت آزاد در آفریقای جنوبی، مدرک کارشناسی ارشد هنر از دانشگاه ویسکانسین در مدیسون و مدرک کارشناسی ارشد الهیات از مدرسه علمیه گرند ریپدز در گرند ریپدز، میشیگان هستم. حدود یک دهه است که مشغول تدریس و نوشتن در مورد کتاب دانیال هستم.

و اگر با شما صادق باشم، به شما می‌گویم که من به این کتاب رسیدم، نه به انتخاب خودم. کتاب دانیال واقعاً در انتهای فهرست کتاب‌هایی بود که می‌خواستم در عهد عتیق عمیقاً مطالعه کنم. شاید درست در کنار کتاب ایوب قرار داشت.

کتاب مورد علاقه‌ام نبود و بخشی از آن به این دلیل بود که من در سنتی بزرگ شدم که از بسیاری جهات به کتاب دانیال به عنوان راهی برای ترسیم آخرالزمان نگاه می‌کرد. بنابراین، پیش‌بینی‌هایی وجود داشت و نیمه دوم کتاب، امکانی را فراهم می‌کرد که می‌توانستید آن را با اخبار مرتبط کنید. و صادقانه بگویم، از برخی جهات برای من وحشتناک و همچنین دلسردکننده بود، زیرا به نظر می‌رسید که آن پیش‌بینی‌ها منسوخ می‌شوند.

و بنابراین، پس از آن همه باید درک خود را از کتاب دانیال به روز کنند و چیزها را تغییر دهند. من به اندازه کافی وقت صرف خواندن این کتاب کرده بودم که بدانم چیزهای واقعاً گیج‌کننده‌ای در آن وجود دارد و نمی‌خواستم مجبور شوم همه بورسیه‌های مختلف را مرتب کنم. بنابراین، سعی کردم از آن دوری کنم.

اما در برهه‌ای از زندگی‌ام که به چیزهایی در رزومه‌ام نیاز داشتم و کمی پول نقد هم لازم داشتم، به من پیشنهاد شد که یک دوره فشرده دو هفته‌ای در مورد دنیال تدریس کنم. خوب، معلوم است که من هم دوست دارم این کار را بکنم. من به دقت نظرات را بررسی کردم و چندین هفته بسیار فشرده را صرف آماده شدن برای تدریس آن دوره کردم.

چیزی که با کمال میل کشف کردم این بود که این کتاب آن چیزی نیست که فکر می‌کردم. این کتاب به جای اینکه نقشه‌ای برای آینده باشد، برای امروز دلگرمی ارائه می‌دهد. و این دلگرمی‌ای بود که فهمیدم به آن نیاز دارم و دلگرمی‌ای یافته‌ام که برای افرادی که به آنها درس می‌دادم، چه در کلاس درس باشند و چه در نیمکت کلیسا، بسیار مرتبط‌تر بود.

این کتابی بود که برای امروز مهم بود. و برای من، این خیلی هیجان‌انگیز بود. بنابراین، من در مورد این کتاب هیجان‌زده‌ام.

من زمان زیادی را صرف آن کردم و مشتاقم برخی از چیزهایی را که فکر می‌کنم وقتی به کتاب می‌رسیم برای ما به ارمغان می‌آورد با شما به اشتراک بگذارم: کلمات تشویق‌آمیز. بنابراین، در سخنرانی‌های بعدی، قرار است فصل به فصل کتاب دانیال را بررسی کنیم. هدف ما ابتدا این است که بفهمیم مخاطبان اصلی دانیال چگونه آن را به بهترین شکل ممکن درک می‌کردند.

بدیهی است که ما هزاران سال و چند قاره و بسیاری از ما و زبان‌ها از بافت اصلی دور شده‌ایم. بنابراین باید تلاش زیادی کنیم تا خودمان را در جایگاه مخاطب اصلی قرار دهیم. اما ابتدا می‌خواهیم این کار را انجام دهیم.

زیرا تنها زمانی که بفهمیم نویسنده به مخاطبان اصلی چه گفته است، می‌توانیم درک کنیم که چگونه آن [سخنان] کاربرد دارد یا برای امروز ما چه معنایی دارد. وقتی تدریس می‌کنم، دوست دارم منابع و توصیه‌هایی ارائه دهم. اگر برای اولین بار به این مطالعه می‌آیید، ابتدا شما را تشویق می‌کنم که قبل از هر سخنرانی، کتاب را بخوانید.

قبل از شروع، فصل را بخوانید و به حرف‌های من در مورد آن گوش دهید. اما اگر به دنبال منابع اضافی، به خصوص برای برخی از مسائل دشوار هستید، موارد زیادی وجود دارد که می‌توانم توصیه کنم. اجازه دهید فقط یک بررسی سریع از برخی مواردی که به نظرم بسیار مفید بوده‌اند، منابعی که استفاده کرده‌ام یا نوشته‌ام، ارائه دهم.

خب، با یکی از نوشته‌های خودم شروع می‌کنم. این کتاب از مجموعه‌ی «تفسیر داستان خدا در کتاب مقدس» از انتشارات زوندروان است. این مجموعه، یک مجموعه‌ی نسبتاً جدید مربوط به سال ۲۰۱۵ است.

بنابراین، این کتابی است که واقعاً برای کشیشان و معلمان، و حتی افراد غیر روحانی نوشته شده است، کسانی که علاقه‌مند به مطالعه عمیق هستند، اما نه با دقت زبانی یا تمام جزئیاتی که اگر با مطالعات باستانی خاور نزدیک آشنا نباشید، ممکن است در آنها گم شوید. بنابراین، من آن را توصیه می‌کنم. و سپس طی چند سال آینده، کتاب دیگری در مورد دانیال در این مجموعه از انتشارات زوندروان خواهم داشت.

جلد کتاب به این شکل است. تفسیر تفسیری عهد عتیق. اگر عبری یا آرامی خوانده باشید، این کتاب کمی مفیدتر خواهد بود.

اگر این کار را نکرده‌اید، مزایای دارد، اما اگر کمی زبان‌ها را مطالعه کنید، واقعاً مفیدتر خواهد بود. بنابراین امیدواریم که این در سال ۲۰۲۰ منتشر شود. امید همین است.

Zondervan است. این نیز توسط NIV تفسیر کاربردی، NIVAC، یکی دیگر از منابع واقعاً قابل استفاده کارهای زیادی در Tremper Longman نوشته شده است Tremper Longman نوشته شده و توسط عهد عتیق انجام داده است و او کار واقعاً شگفت‌انگیزی در صحبت کردن به زبانی که مردم آن را می‌فهمند انجام می‌دهد.

و بنابراین، او برخی از مسائل واقعاً پیچیده را مطرح می‌کند و آنها را به روش‌هایی مفید مطرح می‌کند. او می‌تواند مطالبی را که واقعاً برای نحوه‌ی به‌کارگیری کتاب در دنیای امروز مهم نیستند، کنار بگذارد. بنابراین، من این کتاب را توصیه می‌کنم.

این مجموعه واقعاً محبوب است و این کتاب در طول زمان دوام آورده است. اگر می‌خواهید کمی عمیق‌تر شوید و همچنان انجیلی بمانید، مجموعه تفسیر عهد عتیق آپولو را توصیه می‌کنم. این کتاب نوشته ارنست لوکاس است.

است و لوکاس شما را کمی عمیق‌تر به مسائل می‌برد و آنها را مطرح InterVarsity Press این یک نشریه می‌کند. او به خوبی تمام گزینه‌ها را مطرح می‌کند و سپس به شما می‌گوید که کدام یک را ترجیح می‌دهد، اما

این را هم در نظر می‌گیرد که گزینه‌های دیگری نیز ممکن است وجود داشته باشد. بنابراین، این مقاله در سطح آکادمیک کمی بالاتر است، اما فکر می‌کنم هنوز هم واقعاً قابل استفاده است.

یکی دیگر از مجموعه‌های واقعاً محبوب که بسیاری از مردم کل مجموعه آن را دارند، تفسیر کتاب مقدس ورد است. این کتاب دانیال است و توسط جان گلدینگی نوشته شده است. ورد، باز هم، در طرح مسائل خوب عمل می‌کند.

گلدینگی رویکردهای ادبی زیادی را در پیش می‌گیرد، بنابراین اگر این چیزی است که شما را جذب می‌کند، او برایم Word کار خوبی در این زمینه انجام می‌دهد. من این تفسیر را دوست دارم، اما پیدا کردن تفسیرهای دشوار است. همه این تجربه را ندارند.

اطلاعات عالی است، اما گاهی اوقات پیدا کردن آن برای من کمی سخت است، که احتمالاً بیشتر از خود کتاب برای من مهم است. اگر به سمت پژوهش انتقادی‌تر یا پژوهش جریان اصلی بروید، یعنی محققانی که خود را انجیلی نمی‌دانند، در واقع دو استاندارد وجود دارد که نسبتاً مدرن هستند. کلاسیک، می‌گویم کلاسیک، مربوط به سال ۱۹۹۳ است، اما یک اثر کلاسیک است، هرمنیو

این جان کالینز است. جان کالینز کارهای زیادی در مورد ادبیات آخرالزمانی انجام داده است. مطمئناً این یکی از تخصص‌های اوست.

او دقیقاً در همین زمینه کتاب دارد. اما این بهترین پژوهش انتقادی مدرن یا به‌روز موجود است. یکی از آخرین موارد برای تفاسیر، کتابخانه عهد عتیق، کتاب دانیال، نوشته کارول نیوسام است.

خب، یک کتابخانه عهد عتیق وجود دارد، یک نسخه قدیمی‌تر، فکر می‌کنم اثر نورم پورتنوس. این یکی در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، بنابراین با نویسندگان مختلف به‌روز شده است، و این هم یک منبع واقعاً مفید است، اما باز هم، بیشتر رویکرد انتقادی دارد، دیدگاهی متفاوت از کتاب مقدس نسبت به آنچه من و انجیلی‌ها داشتیم، اما برای بورسیه تحصیلی در مورد دانیال بسیار مفید است. اگر شما یک کشیش یا معلم هستید و واقعاً می‌خواهید تمام جزئیات را بررسی کنید، چگونه می‌توانم این را به کار ببرم؟ چگونه می‌توانم این را به مردم آموزش دهم؟ منابع بسیار خوبی نیز برای این کار وجود دارد.

برایان چاپل کتاب‌های فوق‌العاده‌ای برای کشیشان می‌نویسد و مجموعه‌ای از کتاب‌ها را دارد. این کتاب انجیل به روایت دانیال «است، رویکردی مسیح‌محور. این کتاب بیکر است و او کتاب را مرور می‌کند، اما» تکالیفش را انجام می‌دهد، اما همچنین به شما کمک می‌کند تا واقعاً ببینید چگونه آن را به کار ببرید، چگونه آن را موعظه کنید.

گریدانوس با عنوان «مبانی خطبه‌های تفسیری، موعظه مسیح از زبان دانیال» به‌طور صریح‌تری در مورد موعظه است. این کتاب متعلق به یک اردمن است و همچنین برای من بسیار مفید است، من باید دانیال را موعظه کنم، چه کار کنم؟ فقط دانستن تمام بورسیه‌ها و تمام گزینه‌ها به من کمکی نمی‌کند. چگونه آن را موعظه کنم؟ یک کتاب آخر، وقتی به نیمه دوم دانیال می‌رسیم، وارد آب‌های خارجی بسیار دشواری، ادبیات آخرالزمانی، خواهیم شد.

سخت است. به نظر من یکی از سخت‌ترین چیزها در مورد دانیال این است که دو فصل آخر به ویژه ما را به برهه‌ای از تاریخ اسرائیل می‌برد که برای بسیاری از ما ناآشنا است، یعنی دوره معبد دوم. بعداً بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما این یک تاریخ واقعاً پیچیده و گیج‌کننده است که پر از نام افرادی است که نمی‌شناسیم، به یاد نمی‌آوریم، مکان‌هایی که با آنها آشنا نیستیم و شما گم می‌شوید.

بنابراین، بهترین منبع، و خواندنی‌ترین منبعی که برای آشنایی با تاریخ بین‌عهدین یا دوره معبد دوم، هر چه که می‌خواهید آن را بنامید، پیدا کرده‌ام، نوشته آنتونی توماسینو است. نام آن «یهودیت پیش از عیسی انتشارات، IVP رویدادها و ایده‌هایی که جهان عهد جدید را شکل دادند» است. این کتاب توسط InterVarsity منتشر شده است.

زمانی، دیگر چاپ نمی‌شد. مطمئن نیستم که دوباره چاپ شده باشد، اما می‌توانید هر چیزی را در اینترنت پیدا کنید، بنابراین مطمئنم که وجود دارد. این یک منبع واقعاً خواندنی و فوق‌العاده در مورد تاریخ است.

بنابراین، سعی می‌کنم در ادامه به نویسندگان و کتاب‌هایی که استفاده کرده‌ام اشاره کنم، اما اگر علاقه‌مند به مطالعه عمیق‌تر کتاب دانیال هستید، این فقط چند منبع دیگر برای مطالعه در اختیار شما قرار می‌دهد. در ادامه این سخنرانی اول، می‌خواهم مروری بر مسائلی داشته باشم که مربوط به مطالعه کتاب هستند و سپس می‌خواهم به این موضوع بپردازم که کتاب دانیال چگونه در جدول زمانی عهد عتیق، گاهشماری یهودیان و داستان کلی کتاب مقدس جای می‌گیرد. بنابراین، ما به یک جدول زمانی نگاه خواهیم کرد و به مسائل خواهیم پرداخت.

بنابراین، کتاب دانیال واقعاً کتابی منحصر به فرد در عهد عتیق است. در کتاب مقدس انگلیسی، پس از اشعیا، ارمیا، حزقیال و دانیال قرار می‌گیرد. این کتاب یکی از پیامبران بزرگ است.

فصل دارد، اما واقعاً بی‌نظیر است. این یک کتاب نبوی مانند سایر پیامبران نیست. داستان‌های روایی در ۱۲ فصل آن وجود دارد.

دانیال و چاه شیر، این شبیه یک پیشگویی به نظر نمی‌رسد. شدرک، میشک و عبدنغو هم شبیه یک پیشگویی به نظر نمی‌رسد. بنابراین، این کتاب داستان‌های واقعاً منحصر به فردی دارد که بسیار به یاد ماندنی و حتی سرگرم‌کننده هستند، اما با این حال قرار است یک کتاب نبوی باشد.

بنابراین، دو بخش کاملاً متمایز دارد. نیمه اول این داستان‌های روایی است. نیمه دوم این رؤیاهای عجیب و غریب و عجیب و غریب.

و تلاش برای درک اینکه چگونه این دو چیز در یک کتاب با هم ترکیب می‌شوند، یک چالش است. بنابراین دو ژانر مختلف دارد. نکته‌ی دیگری که در مورد کتاب دانیال واقعاً منحصر به فرد است این است که به دو زبان نوشته شده است.

بنابراین، بیشتر عهد عتیق به زبان عبری نوشته شده است. و چند کتاب وجود دارد که بخش‌های کوچکی از زبان آرامی دارند، که یک زبان خواهر است و کمی بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد. اما کتاب دانیال شش فصل به زبان عبری دارد و شش فصل به زبان آرامی.

تنها کتاب دیگر در عهد عتیق که مقدار قابل توجهی از زبان آرامی دارد، کتاب عزرا است. بنابراین، عزرا پس از تبعید به جامعه‌ای که در حال بازگشت به سرزمین خود بودند، نوشته شده است. و آنها در آن زمان یک استان پارسی بودند.

و زبان میانجی، زبان تجاری آن زمان، آرامی بود. بنابراین، برخی مکاتبات در کتاب عزرا ثبت شده است. و برای ما غیرمعمول نیست که به یک کتاب عبری برسیم اما مکاتبات به زبان آرامی نوشته شده باشد، زیرا نامه‌ها در واقع به این زبان نوشته می‌شدند.

بنابراین، وقتی حاکمان و پادشاهان پارسی به زبان آرامی می‌نویسند، این کار را انجام می‌دهند. بنابراین، می‌توانیم این را در کتاب عزرا توضیح دهیم. وقتی به کتاب دانیال می‌رسیم، فصل اول را مرور می‌کنیم که داستانی درباره اسارت دانیال و دوستانش است.

آنها تصمیم می‌گیرند که از غذای پادشاه نخورند. فصل اول. فصل دوم داستان نبوکدنصر را روایت می‌کند که خوابی در مورد این مجسمه باشکوه دیده است.

او معنی آن را نمی‌داند. اما قبل از اینکه حتی وارد آن داستان شوید، زبان به آرامی تغییر می‌کند. و در تمام فصل دوم از آیه چهارم، فصل سوم، فصل چهارم، فصل پنجم، فصل ششم، آرامی باقی می‌ماند و در فصل هفتم هنوز آرامی است.

و سپس به عبری برمی‌گردد. و واقعاً هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد. چرا تغییر کرد؟ هدف از داشتن یک زبان متفاوت چیست؟ بنابراین این باعث می‌شود که در عهد عتیق منحصر به فرد باشد.

به خاطر نیمه دوم و آن بخش آخرالزمانی منحصر به فرد است. واقعاً ادبیات آخرالزمانی زیادی در عهد عتیق وجود ندارد. آشناترین بخش کتاب مقدس برای ما، عهد جدید، کتاب مکاشفه است که به معنای آخرالزمان، وحی است.

این آشکارا یک آخرالزمان است. و گاهی اوقات، وقتی به وحی می‌رسیم، تصاویری می‌بینیم که وحشی و عجیب هستند و کاملاً مطمئن نیستیم که چگونه آن را تفسیر کنیم. این ادبیات آخرالزمانی است.

در عهد عتیق، تنها جایی که چنین چیزی ظاهر می‌شود، کتاب دانیال نیست. بنابراین فهمیدن آن در متن عهد عتیق کمی دشوار است. نکته دیگر در مورد زبان‌ها و ژانرها این است که کتاب دانیال را دشوار می‌کند.

.خب، به شما گفتم که دو ژانر دارد. عبری و آرامی دارد. ببخشید، دو ژانر

روایت دارد، و آخرالزمانی هم دارد. و روایت فصل‌های ۱ تا ۶ رو شامل میشه. آخرالزمانی فصل‌های ۷ تا ۱۲ رو شامل میشه. خب، تقسیم‌بندی خیلی مرتب و تمیزیه، درسته؟ دو زبان دارد

عبری و آرامی دارد. خب، عبری فصل اول است. چهار آیه اول فصل دوم، در واقع اگر بخواهیم فنی صحبت کنیم، چهار و نیم آیه اول، و سپس فصل‌های ۸ تا ۱۲ عبری هستند. زبان آرامی از فصل ۲، ۴، شروع می‌شود و تا پایان فصل ۷ ادامه دارد که فکر می‌کنم ۲۷ آیه است.

بنابراین، شما دو ژانر، دو زبان دارید، اما واقعاً با هم منطبق نیستند. هیچ راه منظمی برای تقسیم‌بندی این کتاب وجود ندارد. نمی‌توانید بگویید، خب، روایت کاملاً عبری است. آخرالزمان کاملاً آرامی است.

به اندازه کافی آسان است. این یک آشفتگی است. خب، با آن چه کار کنیم؟ این فقط یک کتاب چالش برانگیز است.

این یک چیز عجیب در عهد عتیق است که آن را بسیار سرگرم‌کننده‌تر می‌کند. بنابراین، چیزی که دشوار است این است که وقتی برای مطالعه‌ی کتاب مقدس به سراغ آن می‌رویم، می‌خواهیم تعدادی سوال از متن بپرسیم. مثل برداشتن روزنامه نیست که زمان و مکان ماست.

ما فرهنگ را درک می‌کنیم. می‌توانیم نکته‌ی مقاله را بفهمیم. مثل این نیست که یک رمان را برداریم، که احتمالاً در مکانی اتفاق می‌افتد که ما با آن آشنا هستیم.

ما به راحتی می‌توانیم منظور نویسنده را بفهمیم. کتاب مقدس کتابی باستانی است. در زمان‌ها، مکان‌ها و افراد مختلف نوشته شده است.

برای ما نوشته نشده است. جان والتون، محقق عهد عتیق در ویتون، عاشق این است که بگوید کتاب مقدس برای ما نوشته نشده است، بلکه برای ما نوشته شده است. بنابراین، ترفند یا وظیفه مطالعه کتاب مقدس این است که بفهمیم به مخاطبان اصلی خود چه گفته است، اما این ارتباط برای امروز ما چیست؟ بنابراین، وقتی به این ادبیات باستانی می‌رسیم، تعدادی سؤال وجود دارد که می‌خواهید پرسید، و این مهم نیست که در کتاب مقدس چه چیزی را مطالعه می‌کنید.

می‌خواهید پرسید، چه کسی آن را نوشته است؟ خب، نویسنده کیست؟ و برای بعضی از کتاب‌های کتاب مقدس، این واقعاً واضح است. من، پولس، به کلیسا در هر جای پولس آن را نوشته است.

و ما می‌توانیم، بحث‌هایی در مورد اینکه آیا این قابل اعتماد است یا خیر، یا اینکه آیا این درست است یا خیر وجود دارد، اما این موضوع ربطی به موضوع ندارد. این کتاب ادعا می‌کند که توسط پولس نوشته شده است. در عهد عتیق، ما تعدادی، تعداد زیادی پیامبر داریم.

اشعیا، اینها رؤیاهایی هستند که بر اشعیا، پسر عاموس، ظاهر می‌شوند. بنابراین، بسیاری از اوقات، نویسنده واضح است و بسیاری از اوقات، اینطور نیست. و این در واقع در عهد عتیق بسیار صادق است، جایی که کتاب‌ها، به هر دلیلی، ناشناس هستند.

ممکن است روایتی در مورد نویسنده آن وجود داشته باشد، اما خود کتاب هرگز چنین ادعایی نمی‌کند. پس، نویسنده کیست؟ خب، شاید دانیال؟ در نیمه دوم کتاب، دفاع از این ادعا نسبتاً آسان است. می‌گوید، من دانیال، رؤیاهایی دیدم و گفتم، این را دیدم، بنابراین طوری نوشته شده که انگار دانیال داستان را برای شما تعریف می‌کند.

نیمه اول کتاب هیچ ادعایی مبنی بر نویسندگی ندارد. داستان‌هایی درباره دانیال وجود دارد، اما گفته نشده که دانیال آنها را نوشته است. بنابراین، نویسنده، ما واقعاً نمی‌دانیم.

تاریخ، زمان نگارش کتاب؟ در کتاب دانیال، این یک مسئله‌ی بسیار مهم است، و من شما را تا سخنرانی بعدی منتظر می‌گذارم تا به شما بگویم که این چه مسئله‌ی مهمی است. گاهی اوقات، در کتاب‌های مقدس ما بر اساس وقایعی که کتاب پیشگویی می‌کند یا چیزهایی که قبلاً اتفاق افتاده‌اند، حس خوبی از زمان نگارش یک کتاب داریم، بنابراین شما، خب، این اتفاق در اینجا نیفتاده است زیرا آنها در مورد این رویداد صحبت می‌کنند، بنابراین حداقل باید اینجا باشد. بنابراین، می‌توانید بر اساس آنچه کتاب می‌گوید، آن را از نظر تاریخی تعیین کنید، و اینگونه است که یک کتاب مقدس را تاریخ‌گذاری می‌کنید، اگرچه همیشه نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

خب، نویسنده، تاریخ، ژانر. ژانر واقعاً سوال مهمی است. ژانر فقط به معنای نوع نوشته است.

این چه نوع نوشتاری است؟ آیا روایت است؟ آیا داستان است؟ خب، ما داستان‌ها را به طور متفاوتی درک می‌کنیم. آیا این پیشگویی است؟ ما پیشگویی را به طور متفاوتی درک می‌کنیم. آیا این تبارشناسی است؟ ژانر به ما دیکته می‌کند که چگونه چیزی را بخوانیم و چگونه آن را درک کنیم.

خب، کتاب دانیال دو کتاب متفاوت دارد و یکی از آنها واقعاً عجیب است، بنابراین ما همیشه مطمئن نیستیم که چگونه آن را تفسیر کنیم. مخاطب چه کسی بود؟ گیرنده اصلی این کتاب چه کسی بود و چه زمانی اتفاق افتاد؟ زمینه تاریخی که احتمالاً این نویسنده از طریق نوشته به آن می‌پردازد چیست و هدف چیست؟ چرا آنها این کتاب را نوشتند؟ اینها همه سؤالاتی هستند که وقتی به یک متن یا کتاب مقدس می‌رسید، حداقل می‌خواهید پرسید. ممکن است نتوانید به همه آنها پاسخ دهید، اما می‌خواهید این سوال را بپرسید.

ببینید چقدر می‌توانید به پاسخ نزدیک شوید. کتاب «دانیل» یکی از بحث‌برانگیزترین کتاب‌ها در رابطه با تقریباً همه این دسته‌ها است. اگر هر یک از این تفاسیر را مطالعه کنید، برخی از آنها موضوع را بسیار مختصر به شما ارائه می‌دهند و برخی از آنها، مانند تحقیقات انتقادی جان کالینز و کارول نیوسام، جزئیات را به شما ارائه می‌دهند.

چرا این دیدگاه خاص اتخاذ شده است؟ چرا این دیدگاه خاص اتخاذ شده است؟ خب، پس، یک دیدگاه اینجا وجود دارد. این کتاب از نظر همه این سؤالات بسیار پیچیده است. بنابراین، در سخنرانی بعدی، ما قصد داریم به این سؤالات با جزئیات بیشتری، به طور خاص برای دانیال، پردازیم، اما فقط بدانید که وقتی به این کتاب نزدیک می‌شویم تا آن را مطالعه کنیم، سؤالات زیادی داریم که نمی‌توانیم به آنها پاسخ دهیم.

ما می‌توانیم تمام تلاش خود را بکنیم و می‌توانیم ببینیم چه گزینه‌هایی وجود دارد، اما مسیحیان معتقد به کتاب مقدس وجود دارند که در مورد همه این موارد دیدگاه‌های متفاوتی خواهند داشت. محققان منتقدی نیز وجود دارند که حتی در مورد برخی از آنها دیدگاه‌های متفاوتی خواهند داشت. بنابراین، این یک مشکل با کتاب دانیال است.

این باعث می‌شود مطالعه‌ی کتاب دانیال چالش‌برانگیز باشد. بنابراین، تنها کاری که می‌خواهم در رابطه با این سؤالات انجام دهم همین است. کاری که می‌خواهم بقیه‌ی این کلاس انجام دهم این است که کتاب دانیال را در داستان کتاب مقدس، در داستان عهد عتیق، در داستان اسرائیل قرار دهم و حتی کمی فراتر از جایی که عهد عتیق به پایان می‌رسد، بروم.

خب، بیایید بهترین راه برای انجام این کار را ببینیم. من دوست دارم از یک جدول زمانی استفاده کنم. من معمولاً یک یادگیرنده بصری هستم.

ماژیک من دوام خواهد آورد. بنابراین، آنچه ما اینجا داریم داستان کتاب مقدس است، و کمی فراتر از آن، و یک میان‌پرده کوچک که در کتاب مقدس ثبت نشده است. بنابراین، کتاب مقدس در کتاب پیدایش با داستان خلقت آغاز می‌شود، و من قصد ندارم تاریخی برای آن تعیین کنم.

ما فقط می‌گذاریم تیر به آن سمت برود، و هر دیدگاهی که در مورد خلقت دارید، فقط تاریخ را وارد کنید. بنابراین از پیدایش، خلقت جهان، شروع می‌شود، و سپس ما را از طریق داستان چگونگی فاسد شدن و شرارت جهان می‌برد که خدا به نقطه‌ای می‌رسد که از نو شروع می‌کند، و این داستان طوفان است. خب، اوضاع پس از طوفان رو به وخامت می‌رود، و نوادگان نوح بهتر از نوح و پیشینیانش می‌دانند.

بنابراین، وقتی به پیدایش ۱۲ می‌رسیم، با یک نقطه واقعاً محوری در تاریخ عهد عتیق و داستان کتاب مقدس روبرو هستیم. در پیدایش ۱۲، معرفی شخصیت ابراهیم را داریم، و ابراهیم توسط خدا انتخاب می‌شود و از خانه‌اش در بین‌النهرین فراخوانده می‌شود تا به سرزمینی برود که خدا قرار است به او نشان دهد. و در نهایت به او و فرزندانش بدهد. بنابراین، دعوت ابراهیم مسیر بقیه کتاب مقدس را تعیین می‌کند.

این انتخاب خدا از ابراهیم و وعده قوم برگزیده اوست که از طریق آنها قرار است نقشه رستگاری خود را برای جهان عملی کند. خب، نوادگان ابراهیم واقعاً این سرزمین را اشغال نمی‌کنند. آنها مالک این سرزمین نیستند.

مال آنها نیست. چند تکه اینجا و آنجا، اما آنها صاحب آن سرزمین نیستند، و در نهایت، در پایان کتاب پیدایش، آنها حتی در آن سرزمین هم نیستند. آنها به مصر برده شده‌اند زیرا در آن سرزمین قحطی شده است، و در مصر غذا هست، و خدا آنقدر لطف داشت که راه را برای آنها به مصر هموار کرد.

چند سال قبل، او یوسف را به زمین فرستاد— که البته بهترین راه برای به زمین فرستاده شدن نبود. او با سکه‌های نقره‌ای که برادرانش می‌فروختند، به زمین فرستاده شد، اما خدا از موقعیت یوسف استفاده کرد تا او را به جایگاهی قدرتمند در مصر برساند، تا وقتی قومش در سرزمین اسرائیل گرسنه بودند، بتوانند به مصر بیایند و خدا نجات آنها را فراهم کرده بود.

خب، اوضاع بد شد. اوضاع در مصر بد شد و مردم به بردگی گرفته شدند، و فرعون که یوسف را نمی‌شناخت، از کل داستان اینکه چگونه به آنجا رسیدند و چه می‌کردند خبر نداشت، از یهودیان خوشش نمی‌آمد. در آن زمان از عبرانیان هم خوشش نمی‌آمد.

او توسط آنها تهدید شد، و بنابراین آنها را اسیر کرد، و آنها در مصر اسیر هستند، و از ظلم و ستم و بردگی رنج می‌برند، و برای نجات‌دهنده‌ای فریاد می‌زنند، و خدا موسی را برمی‌خیزاند، و موسی در نهایت مردم را از مصر در آنچه خروج نامیده می‌شود، بیرون می‌آورد. رویداد خروج، بیرون آوردن است، و در کتاب خروج روایت شده است، و دیدگاه‌های مختلفی در مورد تاریخ آن وجود دارد، از حدود ۱۴۰۰ قبل از میلاد تا کمی بعد از قبل از میلاد. ما قصد نداریم به این موضوع پردازیم، ۱۲۰۰.

ما این تاریخ‌ها را تقریباً به عنوان تاریخ‌های خروج قرار می‌دهیم. خدا قوم خود را بیرون می‌آورد، آنها را به بیابان می‌برد و در نهایت آنها را به سرزمین موعود می‌رساند. آنها تحت رهبری یوشع به سرزمین موعود می‌رسند و خدا آن سرزمین را به آنها می‌دهد.

در کتاب یوشع، داستان چگونگی وضعیت آنها آمده است؛ می‌توانم بگویم که آنها چگونه زمین را تصرف می‌کنند، اما در واقع این چگونگی اعطای زمین به آنهاست، زیرا خدا این کار را انجام می‌دهد. آنها به اندازه کافی قدرتمند نیستند که این کار را انجام دهند. خدا کسی است که زمین را به آنها می‌دهد و مردم در آن سرزمین ساکن می‌شوند و در آن سرزمین کمی بیش از حد احساس راحتی می‌کنند، و آنها تمام مردمی را که خدا به آنها گفته بود نابود کنند، نابود نکرده بودند.

آنها سرزمین را کاملاً اشغال نکرده بودند، بنابراین هنوز همسایگانی با اعمال بت‌پرستانه داشتند و بنابراین کمی بیش از حد راحت طلب شدند و به جای اینکه آنطور که خدا می‌خواست در آن سرزمین زندگی کنند، واقعاً بیشتر شبیه کنعانی‌های آن سرزمین شدند. برخی از نویسندگان این را کنعانی شدن بنی اسرائیل نامیده‌اند. آنها به جای اینکه خود را به عنوان قوم منحصر به فرد خدا جدا کنند و تحت عهدی که او از طریق موسی به آنها داده بود زندگی کنند، بیشتر شبیه کنعانی‌ها شدند.

و وقتی به کتاب داوران می‌رسید، روایت واقعاً زنده‌ای از چگونگی تبدیل شدن قوم خدا به کنعانیان تا قوم خدا را می‌بینید. آنها تمام اعمال همسایگان خود را می‌بینند و آنها را به عنوان اعمال خود می‌پذیرند. آنها خدایان دیگر را می‌پرستند و برای خدایان دیگر قربانی می‌کنند.

داستان‌های واقعاً وحشتناکی در کتاب داوران وجود دارد که می‌توانید در فرصتی دیگر آنها را بخوانید و ببینید که چگونه آنها واقعاً طبق عهد زندگی نکردند. در پایان کتاب داوران، اوضاع در اسرائیل از نظر اخلاقی به هم ریخته است. این فقط یک آشفتگی و هرج و مرج است و آنها برای داشتن یک پادشاه فریاد می‌زنند.

آنها پادشاهی مانند همسایگان‌شان می‌خواهند، و بنابراین در کتاب سموئیل، خدا برای آنها پادشاهی، برمی‌انگیزد. اولین پادشاه، شائول است که خوب عمل نمی‌کند و توسط خدا طرد می‌شود. دومین پادشاه، داوود است و داوود نمونه‌ای از آنچه خدا از یک پادشاه می‌خواهد، می‌شود.

او مردی است که مطابق میل خداست، و خدا به داوود سلسله‌ای را وعده می‌دهد که تا ابد پابرجا خواهد ماند. عدالت جاودانه در نهایت از طریق نسل داوود به ارمغان خواهد آمد. سلیمان، پسر داوود، به خاطر چیزهای زیادی مشهور است.

چیزی که در این کلاس بیشتر از همه به آن اهمیت می‌دهیم این است که او معبد را ساخت. بنابراین، سلیمان پادشاه است؛ خوب، بیایید داوود را اول اینجا قرار دهیم. پادشاه داوود حدود هزار سال قبل از میلاد، من اینجا فقط با اعداد رند شده پیش می‌روم.

پسرش سلیمان جانشین او شد و اولین معبد را ساخت که مکانی برای سکونت خدا بود، اما خدا کاملاً روشن کرد که به مکانی برای سکونت نیاز ندارد. در واقع، معبد جایی بود که مردم می‌توانستند در آنجا با خدا ملاقات کنند، جایی که می‌توانستند خدا را در مکانی مقدس و مخصوص او پرستش کنند. سلیمان در دوران سلطنت خود کارهای خوب زیادی انجام داد، اما کارهای بد زیادی نیز انجام داد.

داستان‌های شنیع‌تری را می‌توانید در کتاب مقدس بیابید. وقتی او می‌میرد، پادشاهی‌اش به پسرش رحبعام می‌رسد. رحبعام جوان و نادان بود و رسوم پدرش را به ارث برد. سلیمان به شدت به مردم ظلم کرده بود، تا حدی برای تأمین هزینه‌های معبد و کاخ خود.

آنها در زمان سلیمان کاملاً مورد ظلم و ستم قرار گرفتند. بنابراین، وقتی رحبعام تاج و تخت را به دست می‌گیرد، از مشاورانش می‌پرسد، چه باید بکنم؟ چون مردم گفتند، بار ما را سبک کن؛ پدرت با ما بسیار سختگیر بود؛ بار را سبک کن. رحبعام می‌گوید، آیا باید بار آنها را سبک کنم یا نه؟ مشاوران پدرش، که از مشاوران او مسن‌تر بودند، گفتند، قطعاً بار را سبک کن.

و دوستانش گفتند، نه، تو می‌توانی خودت را از پدرت بهتر ثابت کنی. تو از پدرت قوی‌تری. رحبعام به حرف همسالانش، افرادی که از نظر سنی به او نزدیک‌تر بودند، گوش داد و گفت، باشه، فکر می‌کنی پدرم بد بود؟ من خیلی بدترم. و بنابراین، تحت نظر رحبعام در سال ۹۲۲، ای وای، اینجا جای مناسبی نیست. در واقع اینجا جا می‌شود.

سال ۹۲۲، پادشاهی تجزیه می‌شود. برای این تاریخ، چند تاریخ مختلف پیدا خواهید کرد. من به سال ۹۲۲ پایبندم، اما پادشاهی تجزیه می‌شود.

پادشاهی شمالی که شامل ده قبیله بود، یربعام را به عنوان پادشاه خود منصوب کرد. این پادشاهی شمالی است. همچنین از نظر فنی اسرائیل نامیده می‌شود.

در پادشاهی جنوبی، ۱۰ قبیله وجود دارد. پادشاهی جنوبی، پادشاهی جنوبی است، نام‌های ساختگی دارد، اما می‌توانید آنها را از نظر جغرافیایی به خاطر بسپارید. از نظر فنی، یهودا است.

پادشاهی جنوبی شامل اورشلیم است، که معبدی است که سلیمان ساخت و اولین پادشاه آنها رحبعام است. بنابراین اکنون ما پادشاهی تقسیم شده داریم، پادشاهی تقسیم شده، گاهی اوقات به آن اشاره می‌شود.

ما پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی داریم. اگر روایت‌های کتاب پادشاهان و تواریخ را بخوانید، پادشاهی شمالی هیچ پادشاه خوبی ندارد. همه آنها از راه یربعام پیروی می‌کنند؛ همه آنها شرور هستند و در نظر خداوند شرارت می‌کنند.

در نهایت، در سال ۷۲۲، پادشاهی شمالی به دست ملت آشور افتاد. در آن زمان، آنها به نوعی از داستان کتاب مقدس ناپدید شدند. پادشاهی جنوبی در طول مسیر خود چند پادشاه خوب داشت.

خب، شاید اسم حزقیا را شنیده باشید. حزقیا پادشاه خوبی بود. آسا، چند نفر دیگر هم اینجا هستند.

مشهورترین پادشاه حزقیا و یوشیا. دو پادشاه خوب. و به خاطر این پادشاهان که از خدا پیروی کردند، یا همانطور که کتاب مقدس می‌گوید، کسانی که راه پدرشان داوود را دنبال کردند، خدا عمر پادشاهی جنوبی را کمی طولانی‌تر کرد، اما تشخیص داد که هنوز شورش‌های زیادی در جریان است.

ما پادشاهان بد، پادشاهان خوب، پادشاهان بد، پادشاهان بد، پادشاهان خوب و این تناوب را داریم. و خداوند از طریق پیامبران خود در مورد این وضعیت صحبت می‌کند. بنابراین، پیامبران او هم به شمال و هم به جنوب می‌آیند و مردم را به بازگشت به عهد فرا می‌خوانند.

وفادار باشید و از عهد و پیمان اطاعت کنید، زیرا اگر این کار را نکنید، انواع شروطی که در عهد و پیمان گذاشته شده است، به وقوع خواهد پیوست. نفرین‌ها بر ما نازل خواهد شد. ما به تبعید خواهیم رفت.

اینها هنگام بسته شدن عهد تنظیم شدند. اگر به عهد بازنگردید، آن اتفاقات رخ خواهد داد. بنابراین، نام‌هایی مانند اشعیا و ارمیا دارید.

حزقیال در واقع در تبعید است. مراثی از نظر فنی یک پیامبر نیست. دانیال، به آن یکی بچسب.

هوشع، یوئیل و عاموس، دوازده نفر دیگر هم هستند. و همه آنها، عمدتاً، در این تاریخ سقوط می‌کنند. چند نفر از آنها دنبال [مقام] هستند.

اما آنها با مردم صحبت می‌کنند و سعی دارند آنها را به عهدی که خدا با آنها در سینا بست، بازگردانند. آنها را به وفاداری دعوت کنند تا پادشاهی آنها پایدار بماند. یوشیا در سال ۶۰۹ و کمی قبل از آن پادشاه است.

او پادشاه خوبی بود. انواع اصلاحاتی که او به طرق مختلف انجام داد، مردم را به ایمان به خدا بازگرداند. اما در سال ۶۰۹، او، یک چیز دیگر هم هست که باید اینجا به آن پردازیم.

خب، ما داریم درباره زندگی در اسرائیل صحبت می‌کنیم. اما اسرائیل فقط یک ملت کوچک در جهانی بسیار بزرگتر است. و بنابراین، در حالی که همه این اتفاقات در اسرائیل می‌افتد، باید به خاطر داشته باشید که امپراتوری‌های جهانی در صحنه بزرگ حضور دارند.

و جابجایی قدرت در این امپراتوری‌ها در حال وقوع است. پس اجازه دهید سعی کنم به تاریخ‌های مناسب برای شما نزدیک شوم. بنابراین، ما آشور را به عنوان قدرت جهانی در این سال‌های اولیه سلطنت تقسیم‌شده داریم.

آشور کسی است که پادشاهی شمالی به دست او خواهد افتاد. اما حدود سال ۶۱۲، آشور به دست بابل می‌افتد. سال ۶۱۲ زمانی است که شهر نینوا، که بیشتر به خاطر یونس نبی مشهور است، به عنوان پایتخت آشور به دست آشور افتاد و به دست بابل افتاد.

بنابراین، بابل در این برهه به قدرت جهانی تبدیل می‌شود. و آنها تا حدود سال ۵۳۹، درست همین جا، در قدرت می‌مانند. سپس، صحنه به پارس به عنوان یک قدرت جهانی تغییر می‌کند.

و یونان، به ویژه اسکندر، جانشین ایران خواهد شد، که ما را به تاریخ درست، یعنی سال ۳۳۲ میلادی می‌رساند. ما به یونان، دوران هلنیستی، خواهیم رفت. روم درست همین جا ظاهر می‌شود.

و این ما را به عهد جدید و فراتر از آن می‌برد. بنابراین در صحنه جهانی، امپراتوری‌های عظیمی را داریم که با یکدیگر در حال جنگ هستند. من باید یک نقشه اینجا قرار دهم.

به آن برمی‌گردم. و این جنگ قدرت که اسرائیل، این ملت کوچک با قدرت جهانی بسیار کم، اغلب در میان این نبردها گرفتار می‌شود. و آنها نمی‌توانند روی پای خود بایستند، بنابراین در نهایت به یک رعیت تبدیل می‌شوند، یا تابع یکی از این قدرت‌های بزرگتر می‌شوند.

بنابراین، آنها به آنها خراج می‌دهند. خب، یوشیا، اینجا در سال ۶۰۹، به آنها خراج می‌داد، او خراج می‌داد یهودا یک خراجگزار بود. در سال ۶۰۹، مصر، که در آنجا نیست، هنوز در جهان بود، و بازیگر اصلی بود که باعث درگیری‌های زیادی می‌شد.

فرعون نکو از مصر به سمت شمال می‌رفت تا با بابلی‌ها روبرو شود. و یوشیا برای جلوگیری از او بیرون رفت. زیرا نمی‌خواست این اتفاق بیفتد. و یوشیا در سال ۶۰۹ در نبرد کشته شد.

سپس از سال ۶۰۹ تا حدود سال ۵۸۷، تقریباً مثل یک در گردان، پادشاهان یهودا به طور پی در پی بر سر کار می‌آیند. و من شما را به این فهرست نمی‌برم، اما سه یا چهار نفر از آنها هستند که به سرعت از یوشیا، دو پسرش، یکی از برادرزاده‌هایش، به طور کلی به هم ریخته‌اند. و آنها دست نشانده بابل، به ویژه نبوکدنصر هستند.

و آنها لزوماً دوست ندارند که دست نشانده باشند. و برخی از این پادشاهان کمی بیشتر از دیگران مقابله به مثل و شورش خواهند کرد. سرانجام، نبوکدنصر در سال ۵۸۷ به این مهم دست یافت.

او با پادشاهان سرکش یهودا مشکل داشت. بنابراین، در سال ۵۸۷، او می‌آید و اورشلیم سقوط می‌کند. معبد سوزانده می‌شود و مردم به تبعید می‌روند.

نامیده می‌شود. دانیال جزو افرادی است که به تبعید برده (Divot) این همان چیزی است که این دیوت می‌شوند. او در سال ۵۸۷ برده نشده است.

او قبلاً اسیر شده بود، اما یادتان هست که به شما گفتم چندین شورش علیه نبوکدنصر رخ داد. بنابراین، او چند بار آمد و هر بار افرادی را با خود برد. بنابراین دانیال در تبعید است.

دانیال در این دوره زمانی به عنوان یک تبعیدی زندگی می‌کند. در کتاب دانیال، شش فصل اول داستان‌هایی را روایت می‌کند که در دوران تبعید اتفاق افتاده است، زمانی که دانیال و دوستانش به پادشاهان بابلی خدمت می‌کردند. آن شش داستان اول در این دوره زمانی اتفاق می‌افتند.

رؤیاهایی که دانیال در نیمه دوم کتاب می‌بیند، خود رؤیایی که می‌بیند، در این دوره زمانی اتفاق می‌افتد. بنابراین، در دوران سلطنت نبوکدنصر، در دوران سلطنت کوروش. بنابراین، او این رؤیا را در این دوره می‌بیند، اما رؤیایها به یک بازه زمانی در اینجا اشاره دارند.

به طور خاص، آنها به دوره‌ای از تاریخ همین حوالی نگاه می‌کنند، و یک پادشاه سلوکی مشهور، حداقل مشهور برای افرادی که کتاب مقدس را مطالعه می‌کنند، آنتیوخوس چهارم اپیفان، که یهودای احیا شده را ویران کرد، زندگی آنها را به فلاکت کشاند. پس، به این موضوع توجه کنید. کمی بعد به آن برمی‌گردم.

در سال ۵۳۹، به مردمان تبعیدی اجازه داده می‌شود تا تحت فرمان کوروش، کوروش پارسی، بازگردند. او به مردمان اسیر اجازه می‌دهد تا به سرزمین‌های خود بازگردند. او حتی به آنها بودجه‌ای برای بازسازی معابد می‌دهد.

بنابراین، مردم در سال ۵۳۹ بازمی‌گردند، معبد خود را بازسازی می‌کنند. در سال ۵۱۵، مراسم افتتاح معبد جدید برگزار می‌شود. بنابراین، ما آن را معبد دوم می‌نامیم.

امید است که از زمان معبد دوم تا سال ۷۰ میلادی، دوره‌ای را داشته باشیم که اغلب دوره معبد دوم نامیده می‌شود. این دوره‌ای است که معبد دوم در آن پابرجاست. بنابراین، این معبد در سال ۵۱۵ ساخته و بازسازی شد و در سال ۷۰ میلادی توسط رومی‌ها ویران شد.

بنابراین، این دوره زمانی، دوره معبد دوم نامیده می‌شود. یک بازه زمانی دیگر که در اینجا قرار می‌گیرد و گاهی اوقات در اینجا مطرح می‌شود، دوره بین دو عهد است. و منظور ما از آن، دوره زمانی بین پایان عهد عتیق و آغاز عهد جدید است.

بنابراین، همانطور که گفتم، تعیین تاریخ کتاب‌ها دشوار است، اما ملاکی، که آخرین کتاب عهد عتیق است، تقریباً می‌توانیم بگوییم ۴۵۰ کتاب. این ملاکی است. کتاب متی تولد عیسی و بعد از آن را شرح می‌دهد.

بنابراین، ما تقریباً می‌توانیم بگوییم که منظورمان همین کتاب متی است. بنابراین این دوره زمانی، دوره بین دو عهد نامیده می‌شود. این بخش کوچکی از دوره معبد دوم است.

بسیار خوب، یونان. اسکندر کبیر. اسکندر کبیر اساساً دنیای شناخته‌شده‌ی خاور نزدیک باستان را تصرف کرد و امپراتوری وسیعی داشت.

او کسی است که ایران را شکست می‌دهد. اما اسکندر در جوانی و بدون هیچ وارث قابل اعتمادی درگذشت. پس چه اتفاقی برای پادشاهی عظیم او افتاد؟ خوب، بین ژنرال‌های متخاصم تقسیم شد.

و بنابراین، حداقل چهار تا از آنها وجود دارد. مورخان در مورد اینکه آیا تعداد بیشتری وجود داشته یا نه بحث خواهند کرد. ما فقط به دو تا از آنها اهمیت می‌دهیم.

در جمله بی‌صدا است. سلوکوس و P دو نفری که برای ما مهم هستند سلوکوس و بطلمیوس هستند. حرف بطلمیوس دو نفر از سرداران اسکندر کبیر بودند.

وقتی او بدون وارث درگذشت و پادشاهی عظیمش بین ژنرال‌هایش تقسیم شد، آنها دو نفر از دریافت‌کنندگان بودند. سلوکوس بخش سوریه و فراتر از آن را دریافت کرد، اما برای اهداف ما، فقط اهمیت دارد. اکنون به یک نقشه نیاز داریم.

این قسمت را پاک کن. نقشه باستانی و بسیار شیک خاور نزدیک. اینجا خلیج فارس است.

خب، می‌دانید این چیست؟ بگذارید به شما بگویم. این دریای مدیترانه است. این رود نیل است.

خب، حالا شما همچنین می‌دانید که اینجا مصر است. اینجا کم و بیش خلیج فارس است. ما شبه جزیره سینا را داریم که قرار نیست به آن پردازیم، اما اینجا همین‌جاست.

این رود اردن است که بین دریای جلیل و دریای مرده جریان دارد. همین. پس حالا شما هم می‌دانید که اینجا سرزمین اسرائیل است.

اگر هنوز نقشه‌ای پیدا نکرده‌اید یا در گوگل جستجو نکرده‌اید، احتمالاً باید این کار را بکنید. مصر، سرزمین اسرائیل. اینجا، بله، این واقعاً نامناسب است، اما به هر حال.

اینجا بابل و ایران و غیره است، و سلوکوس جانشین اسکندر بود.

ما به یک رنگ جدید نیاز داریم. آبی. سلوکوس این قلمرو را به دست می‌آورد.

بطلمیوس این قلمرو را به دست می‌آورد. می‌توانید مشکل را ببینید؟ اینجا دو ژنرال هستند، دو نفر از حداقل چهار نفر، که همیشه بر سر قلمرو با هم مشاجره می‌کنند. همه آنها قلمرو بیشتری می‌خواهند.

سلوکوس اینجا در سوریه است. بطلمیوس اینجا در مصر. خب، خدای من.

چه کسی بین آنها درست می‌گوید؟ اسرائیل. بنابراین، اسرائیل اغلب سرزمین بین آنها نامیده می‌شود. به همین دلیل است.

آنها در میان کشمکش‌های قدرت در خاور نزدیک باستان گیر افتاده‌اند. مصر، بابل، ایران. در گذشته‌های دورتر در تاریخ، هیتی‌ها را داریم.

شما انواع امپراتوری‌های بزرگ را دارید که برای قلمرو و قدرت مبارزه می‌کنند. و آنها همیشه از طریق اسرائیل عبور می‌کنند. اسرائیل سرزمینی است که بین آنها قرار دارد.

بنابراین، پس از اسکندر کبیر، ما سلوکوس و بطلمیوس را داریم. در این دوره زمانی، ما شاهد نبردهای زیادی بر سر این قلمرو بوده‌ایم. و بنابراین، در این دوره زمانی، یهودا خود را به نوعی در حال تغییر و تحول می‌بیند.

بنابراین گاهی اوقات آنها تابع پادشاهان سلوکی بودند. گاهی اوقات، آنها تابع پادشاهان بطلمیوسی بودند. این موضوع بین آنها و دیگران متفاوت بود.

و اوضاع هیچ وقت خیلی خوب نیست. آنها هیچ وقت مستقل نیستند. آنها همیشه تابع یکی از این پادشاهان دیگر هستند.

خب، این سلوکوس اینجاست. او، سلوکوس. مشهورترین موفقیت او برای اهداف ما در مطالعه‌ی دانیال، آنتیوخوس چهارم است.

بنابراین، آنتیوخوس چهارم در حدود ۱۷۰ پیش از میلاد پادشاه سلوکی خواهد بود. و او مصر را می‌خواهد. او سرزمین مصر را می‌خواهد.

بنابراین، درگیری‌های مداومی بین آنتیوخوس چهارم برای به دست آوردن قلمرو بیشتر وجود دارد. او مجبور است از میان اسرائیل عبور کند. و همچنین درگیری‌های قدرت وجود دارد.

در اسرائیل افرادی هستند که طرفدار سلوکیان هستند. و برخی دیگر می‌گویند نه، طرفدار بطلمیوس هستند. بنابراین، در اسرائیل فرقه‌هایی وجود دارد.

و بعد این ملت‌های ستیزه‌جو را دارید. اوضاع آشفته است. بنابراین، در مقطعی از این تاریخ، آنتیوخوس چهارم در مصر شکست خورد.

بعداً به این موضوع برمی‌گردیم. اگر خیلی علاقه‌مند هستید، این کتابی است که به آن اهمیت می‌دهید. این کتاب تمام جزئیات را به شما خواهد گفت.

آنتیوخوس چهارم به مصر می‌رود. و با شکستی شرم‌آور تحقیر می‌شود. و در راه بازگشت، خشم خود را بر سر یهودیان اورشلیم خالی می‌کند.

و در جریان این وقایع، او سربازانش را به هتک حرمت معبد وا می‌دارد. آنها خوک‌ها را بر روی محراب قربانی می‌کنند. آنها مجسمه‌های خدایان یونانی را برپا می‌کنند.

اساساً، آنها معبد را تا حدی آلوده می‌کنند که دیگر قابل استفاده نیست. و این اتفاق در سال ۱۶۷ رخ می‌دهد. بنابراین، در سال ۱۶۷، معبد آلوده شده و دیگر قابل استفاده نیست.

و در این دوره زمانی، مجموعه‌ای از مسیح‌ها، به دلیل فقدان کلمه بهتر، ظهور می‌کنند و نوید روزهای بهتری را می‌دهند. ما می‌توانیم شورش کنیم. از من پیروی کنید.

من جواب‌ها را دارم. ما گروه‌های مختلف مبارزه‌ای داریم که سعی می‌کنند زندگی در اسرائیل را بر اساس فلسفه خودشان در مورد چگونگی پیشرفت آن بهتر کنند. گروهی که در سال ۱۶۴ به اوج می‌رسد، مکابی‌ها و حشمو‌نایی‌ها هستند.

آنها چندین نام دارند. بنابراین، این سلسله هاسمونیان است. پسر ارشد، معروف به چکش.

اما مکابی‌ها نامی هستند که باید به خاطر بسپارید. حشمو‌نایی‌ها، مکابی‌ها. و در سال ۱۶۴، آنها به اندازه کافی قدرت پیدا کردند تا شورش کنند، معبد را پس بگیرند و آن را دوباره وقف کنند.

و در دسامبر سال ۱۶۴، آنها معبد تطهیر شده را در یک جشن هشت روزه که هنوز هم توسط یهودیان هر ساله جشن گرفته می‌شود، دوباره تقدیس کردند. این جشن، حنوکا نام دارد. بنابراین این رویداد به همین موضوع مرتبط است.

این بازسازی معبد در زمان مکابیان، یا مکابیان، شورش مکابیان است. این ۱۶۴ است. بسیار خوب.

این یک عالمه تاریخه. و شما می‌گویید ما فقط داریم کتاب دانیال را مطالعه می‌کنیم. چطور اینقدر گمراه شدید؟ خوب، رؤیاهای دانیال این را نشان می‌دهد.

حالا، آنها ممکن است چیزهای بیشتری هم ببینند، اما مطمئناً، آنها بسیاری از این وقایع را می‌بینند. و بنابراین، دانیال این رؤیاها را می‌بیند و آنها را می‌نویسد. و ما این گزارش از این وحشت را که در پیش است داریم.

اینها افرادی هستند که تازه از تبعید بیرون آمده‌اند. آنها وحشت را پشت سر گذاشته‌اند. و دانیال رؤیاهایی از وحشت بزرگتر در پیش دارد.

بنابراین این یک دوره فشرده در تاریخ است که چگونه کتاب دانیال، که در این دوره زمانی اتفاق می‌افتد و وقایعی را که در آن دوره زمانی اتفاق می‌افتند، روایت می‌کند، اما همچنین چشم‌اندازهایی از آینده را که عمده‌تاً در این دوره اتفاق می‌افتند، ترسیم می‌کند. بسیار خوب. این بخش زیادی از تاریخ بود، اما فکر می‌کنم به ما کمک می‌کند تا به جایی که کتاب دانیال از نظر کتاب مقدس، از نظر آن داستان و حتی از نظر برخی از تاریخ باستان قرار می‌گیرد، هدایت شویم.

بنابراین، فکر می‌کنم این سخنرانی را همین جا تمام کنیم و برگردیم و به برخی از آن سؤالات تفسیری با جزئیات بیشتر پردازیم.

این دکتر وندی ویدر در حال تدریس در مورد کتاب دانیال است. این جلسه ۱، مقدمه‌ای بر دانیال است.